

ادامه از صفحه ۶

دولت‌موقت؛روایت‌ازدرون

لا به عنوان وزیر کشور دولت موقت و مسئول امنیت کشور و شخصی نزدیک به مهندس بازرگان خاطراتی از دوران نخست‌وزیری ایشان برای ما بگوید؟

مهندس بازرگان بسیار مرتب بود و در کار خود برنامه‌ریزی دقیق داشت بخشی از موفقیت‌های او مربوط به همین برنامه‌ریزی دقیق بود یکی از برنامه‌هایش ورزش صبحگاهی بود که می‌بایست حتما ورزش صبحگاهی‌اش را انجام می‌داد. منزل ایشان آپارتمانی در خیابان غزالی بود نخست‌وزیری نیز که در خیابان پاستور بود؛ مهندس بازرگان خیلی با گروه محافظ موافق نبود اما من می‌گفتم باید از ایشان محافظت شود؛ زیرا گروه قرقان در آن زمان دست به ترور می‌زد. همیشه یک ماشین با چند محافظ. ایشان را به ساختمان نخست‌وزیری در پاستور اسکوروت می‌کرد. یک بار سرنهنگی که ریاست اسکوروت نخست‌وزیری را برعهده داشت به من گفتم من به این شکل نمی‌توانم مسئولیتم را انجام دهم. خطرناک است. پرسیدم چرا؟ گفت هر روز صبح که می‌آییم مهندس بازرگان می‌گوید جلوی پارک داششجو ننگ‌داریم ما باید ۳۰ دقیقه آنجا بایستیم تا مهندس ورزش و دوندگی روزانه خود را انجام دهد و بعد به دفتر بیاییم و اگر دورتادور پارک را بخواهیم محاصره کنیم مهندس بازرگان نمی‌پذیرد؛ من گفتم چند روز به من فرصت بده. فکری برای این کار می‌کنم. در مشورتی که با دوستان کردیم روبه‌روی کاخ نخست‌وزیری در همان خیابان پاستور کاخ شاپور غلامرضا بود که جلوی آن،یک‌سری ساختمان سه‌طبقه ساخته بودند و مخصوص مأموران آن کاخ بود. آنجا را تخلیه کرده بودیم. گفتیم بهتر از همه این است که از آقای مهندس بخواهیم خانه را رها کند و به این مکان بیاید که اولاً مشکلات را حل می‌کند؛ زیرا محافظت‌شده است دوم اینکه هرروز صبح مهندس بازرگان می‌تواند ورزش خود را در همان کاخ نخست‌وزیری که جنب ساختمان اداری نخست‌وزیری بود، انجام دهد؛ زیرا فضای بزرگی داشت و مهندس می‌توانست از آن فضا استفاده کند که به این شکل مسائل امنیتی حل می‌شد وقتی این فکر را با مهندس مطرح کردیم،فوق‌العاده خوشحال شد چون در وقت صرفه‌جویی می‌شد؛ بنابراین به همراه همسرش به کاخ آمد. آن موقع تنها فرزند در خانه مهندس، کتک نوید بود که گاهی آنجا می‌آمد و گاهی نیز به خانه خواهرانش می‌رفت و آنجا می‌ماند. در آن زمان مرحوم افجه‌ای را مسئول مالی نخست‌وزیری کرده بودیم که خیلی خوب دستگاه عزیزطویل دوره هویدا و به‌خصوص آشپزخانه را مدیریت کرد و سروسامان داد. روزی مهندس بازرگان به من گفت بررسی کنید که هزینه یک پرس غذا چقدر می‌شود؟ من تعجب کردم که با مشکلات امنیتی زیادی که داشتیم و در نخست‌وزیری برای مسائل امنیتی جلسه می‌گذاشتیم چرا مهندس بازرگان این مسئله کوچک را می‌پرسد. کمی تند برخورد کردم که آقای مهندس این‌همه کار داریم. مطمئن باشید آقای افجه‌ای شخص مرتبی است و غذای نخست‌وزیری کنترل‌شده است؛ اما یک هفته بعد از این ماجرا دوباره از من پرسید؛ بنابراین برای انجام دستور مهندس بازرگان به آقای افجه‌ای گفتم سه یا چهار روز میزان غذا را حساب کن و متوسط هزینه یک غذا را دریاوبر که چه مقدار است؟ این گزارش را به مهندس بازرگان دادم ایشان هم یادداشت کرد چند مدتی گذشت که مهندس یک چک شخصی خود را به من داد و گفت این را بدهید که به خزانه بگذارند. مهندس در تمام مدت از دولت حقوق نگرفت و می‌گفت فقط یک حقوق حق من است آن هم حقوق بازنستگسی دانشگاه است و در زمان تصدی دستگاه‌های دولتی هیچ حقوقی بابت کار دولتی خود قبول نکرد، من از مهندس پرسیدم یک پول شخصی شما را چرا باید به خزانه بدهم؟ اما ایشان از روزی که همسرشان را به کاخ آورده بود پول غذا را محاسبه کرده و می‌گفتند من چون در نخست‌وزیری کار می‌کنم حقم است که از این غذا بخورم اما همسرم که در اینجا کار نمی‌کند، این غذای بیت‌المال است و در بیت‌المال باید نهایت دقت شود، حتی دیناری از آن را باید در آن دنیا پس بدهیم. روزی یک وعده غذا می‌گرفتند و شب نیز حاضری می‌خوردند.

لا وزرا هنگام تحویل وزارتخانه‌ها با چه مشاهداتی روبه‌رو می‌شدند؟

در آن زمان انجمن‌های اسلامی در هر وزارتخانه ایجاد شده بود که البته در آنها جایی‌ها هم نفوذ کرده بودند، حتی می‌گفتند ما باید وزیر را انتخاب کنیم. برخی که سابقه مدیریتنی داشتند مانند آقای مهندس تاج با مهندس کتیرایی از آنها استقبال می‌شد اما مثلا

آقای دکتر مبشری در وزارت دادگستری باوجود آنکه

خود از قضات متبحر بود، اخلاص‌هایی در کارشان

صورت می‌گرفت. دو، سه ماه اول آقای مبشری دچار

مشکل بود اما بعد از این مدت آنجا هم آرام شد. در

وزارت دفاع ابتدا آقای احمد مدنی بود و پس از او

نیز آقای ریاحی این پست را برعهده داشتند؛ مسئله

ابتدایی که مهندس بازرگان به‌خوبی با آن برخورد

کرد مسئله نقدینگی و پول بود؛ زیرا مردم از ترسان

پول‌ها را از بانک‌ها گرفته و به خانه‌های خود برده

و نگهداری می‌کردند. کافی بود یک چک از بانک

برگشت بخورد و بگویند موجودی ندارد، اگر تسری

می‌یافت می‌توانست لطمه بزرگی به انقلاب بزند؛

بنابراین نهایت سعی شد که این اتفاق نیفتد.

ادامه در صفحه۱۹

بهمن‌ماه ۱۳۵۷، روزهایی که در عکس‌های

برجامانده از دوربین‌های قدیمی، سرد و خاکستری به

نظر می‌رسد، دهن و روح انقلابیون جوان از هیجان

و سودای تغییر، در غلیان بود، اما رنگ سرخ هیجان،

حوادثی سفید و سیاه در تاریخ آن زمان رقم زد.

مهدی بازرگان از ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸

به مدت ۹ ماه (۲۷۵ روز) نخست‌وزیری دولت موقت

برآمده از انقلاب را برعهده داشت. پس از تسخیر

سفارت وکالت آمریکا، دولت موقت استعفا داد؛ استعفایی

که در آن زمان بسیاری آن را نارضایتی دولت موقت

از اشغال سفارت آمریکا تحلیل کردند، اما خود بازرگان

در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» نوشت که

استعفاش به دلیل حمله به سفارت نبوده و سه ماه

قبل از استعفاي نهایی، سران کشور از این تصمیم آگاه

بوده‌اند. آنچه در پی می‌آید نگاهی است گذرا به زندگی

مردان کابینه بازرگان.

وزیر کشور

احمد صدرحاج‌سیدجوادی متولد ۱۲۹۶؛ او از اعضای اولیه و بنیان‌گذار نهضت آزادی و از اعضای فعال در نهضت مقاومت ملی بود. حاج‌سیدجوادی پیش از انقلاب وکالت تعدادی از مخالفان حکومت پهلوی ازجمله دکترعلی شریعتی و آیت‌الله حسینعلی منتظری را بر عهده داشت. او که فارغ‌التحصیل رشته حقوق و دارای مدرک دکترای علوم سیاسی بود، در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی شرکت داشت. حاج‌سیدجوادی پس از سقوط دولت موقت، در مقدمات تشکیل مجلس شورا دخالت داشت و به نمایندگیی مردم قزوین در مجلس اول انتخاب شد. او ۳۰ سال سرپرستی دانه‌المعارف تشیع را عهده‌دار بوده است. سیداحمد صدرحاج‌سیدجوادی در بامداد یکشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۹۲ در بیمارستان آبان تهران در ۹۶ سالگی چشم از جهان فرو بست.

هاشم صباغیان متولد ۱۳۱۶؛ او بعد از کابینه بازرگان به دوره اول مجلس شورای اسلامی راه یافت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد با شاخه جوانان نهضت مقاومت ملی همکاری می‌کرد و از سال ۱۳۳۹ در جبهه ملی دوم فعالیت داشت. در سال ۱۳۴۰ به انجمن اسلامی مهندسین پیوست و دو سال هم ریاست آن را برعهده گرفت. از ابتدای تأسیس نهضت آزادی ایران به عضویت آن درآمد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

به علت فعالیت‌های سیاسی- مذهبی خود از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ چهار بار به زندان افتاد. در سال ۱۳۵۷ یکی از اعضای هیات پنج نفری بود که از طرف رهبر انقلاب برای راه‌اندازی صنعت نفت و پایان‌دادن به اعتصاب‌های آن تعیین شد. او همچنین عضو کمیته مرکزی استقبال از رهبر انقلاب و مسئول مستقیم فرودگاه مهرآباد و انتظامات و ارتباطات آن در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ بود.

وزیر امور خارجه

کریم سنجایی متولد ۱۲۸۳؛ سنجایی پس از انقلاب، ۵۵ روز وزیر امور خارجه دولت موقت بود و سپس استعفا داد. سنجایی از بنیان‌گذاران جبهه ملی و حامیان محمد مصدق بود. او در دولت مصدق وزیر آموزش و قاضی اختصاصی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نفت ایران و انگلیس بود. او‌که رهبر جبهه ملی در انقلاب ۱۳۵۷ بود، پس وقایع خرداد سال ۶۰، مدت ۱۴ هفته به زندان افتاد و سرانجام از راه کردستان به ترکیه و از آنجا به پاریس و سپس به آمریکا رفت. او نهایتاً در تیرماه ۱۳۷۴ در ۹۰ سالگی در خانه خود در شهر کاربنلد در جنوب ایالت اینیوی آمریکا درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد.

ابراهیم یزدی متولد ۱۳۱۰؛ پس از استعفاي دکتر کریم سنجایی به‌عنوان وزیر خارجه انتخاب شد. او از چهار اردیبهشت ۱۳۵۸ تا ۱۲ آبان ۵۸ وزیر خارجه بود. ابراهیم یزدی، فعال سیاسی ایرانی و دبیرکل نهضت آزادی ایران است. ابراهیم یزدی در دوران اقامت رهبر فقید انقلاب در نوهل‌لوشاتو از مشاوران ایشان بود و به‌همراه امام به ایران بازگشت.

وزارت تبلیغات و جهاتگردی

ناصر میناجی متولد ۱۳۲۱؛ به دلیل تعلق خاطرش به نام حسینه ارشاد، نام این وزارتخانه را به وزارت «ارشاد ملی» تغییر داد. او در دولت شورای انقلاب هم وزیر ارشاد بود. میناجی که از یاران و همراهان علی شریعتی و از مؤسسان حسینه ارشاد به‌شمار می‌رفت، از جمله افرادی بود که در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش داشت. او که تا پایان عمر نیز عهده‌دار مدیریت حسینه ارشاد بود، بعد از تحمل یک دوره بیماری، بهمن ۱۳۹۲ در ۸۲ سالگی درگذشت. او وصیت کرده بود در حسینه ارشاد دفن شود، اما در روز خاکسپاری ممانعت‌هایی به وجود آمد و در نهایت در آرامستان علی‌ری جعفر(ع) در قم به خاک سپرده شد.

وزارت علوم

علی شریعتمداری متولد ۱۳۰۲؛ او مدرک کارشناسی فلسفه را از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد را از دانشگاه میشیگان و دکترای را از دانشگاه تنسی دریافت کرد و عضو شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بود. شریعتمداری استاد سابق دانشگاه شیراز و دانشگاه اصفهان و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد نیز بود.

وزارت دفاع

احمد مدنی متولد مرداد ۱۳۰۸؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرمانده نیروی دریایی شد. او پس از حدود دو ماه از وزارت دفاع کناره گرفت. بعد از آن مدتی عهده‌دار استانداری خوزستان شد. در بهمن سال ۱۳۵۸ در نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران شرکت کرد و حائز رتبه دوم شد. در انتخابات مجلس اول نیز از حوزه کرمان به نمایندگی مجلس انتخاب شد، اما اعتبارنامه‌اش تصویب نشد. پس از تسخیر سفارت از سوی دانشجویان خط امام، به خاطرجاسوسی و ارتباط با آمریکا. در اواسط سال ۱۳۵۹ برای همیشه از کشور خارج شد و به آمریکا مهاجرت کرد. احمد مدنی در بهمن ۱۳۸۴ پس از

تاریخ سیاسی



همه مردان بازرگان

نزعت امیرآبادیان

وزارت دارایی در دولت موقت شد.

وزارت صنایع

محمود احمدزاده هروی؛ در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ به‌عنوان وزیر مشاور و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران مشغول به کار بود در دهه ۶۰ به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی در یوگسلاوی، مشاور وزیر معادن و فلزات و رئیس سازمان زمین‌شناسی کشور مشغول به خدمت بود. او علاوه بر فعالیت در خارج از دانشگاه، در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ به‌عنوان دستیار گروه مهندسی معدن دانشکده فنی و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ به‌عنوان استادیار دانشکده و از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ نیز به‌عنوان دانشیار گروه مهندسی معدن فعالیت کرد. او در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ نیز به‌عنوان مدیر گروه آموزشی مهندسی معدن دانشکده و عضو هیات علمی گروه مهندسی معدن مشغول به فعالیت بود. سال ۹۲ در مراسمی تمبر یادبود دکتر محمود احمدزاده هروی، اولین وزیر صنایع در جمهوری اسلامی ایران رونمایی شد.

وزارت کار

داریوش فروهر متولد ۱۳۰۷؛ او با استعفاي دولت موقت از فعالیت‌های اجرایی فاصله گرفت. شامگاه اول آذرماه ۱۳۷۷ داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری در منزل مسکونی‌شان در تهران در جریان موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای در قتل رسیدند.

وزارت مسکن و شهرسازی

مصطفی مسکن و شورای انقلاب مسئولیت وزارت مسکن را برعهده داشت. او تا زمان مرگ،

کارشناس رسمی دادگستری در رشته راه و ساختمان

بود و تا سال ۱۳۴۸ ریاست کانون کارشناسان رسمی

دادگستری را برعهده داشت. او روز گذشته در گذشت.

وزارت پست، تلگراف و تلفن

محمدحسین اسلامی، متولد ۱۳۱۲؛ او علاوه بر تحصیل در دانشکده‌های مخابرات و پلی‌تکنیک، تالیفات و مقالاتی نیز در زمینه مسائل فنی و مخابراتی دارد.

وزارت بازرگانی

رضا صدر؛ در کابینه بازرگانی وزیر بازرگانی بود و در کابینه شورای انقلاب به سرپرستی بنی‌صدر هم به‌عنوان وزیر بازرگانی انتخاب شد.

وزارت کشاورزی

علی محمد ابزدی متولد ۱۳۰۶؛ بعد از پیروزی انقلاب، بدالله سحابی تلفنی به او که ساکن آمریکا بود، اطلاع داد برای تصدی وزارت کشاورزی کابینه مهندس بازرگان انتخاب شده است. ابزدی در اسفندماه وارد ایران شد و در تمام مدت حکومت کابینه موقت با مهندس بازرگان همکاری کرد. او در سال ۱۳۵۸ در انتخابات دوره اول مجلس از شیراز شرکت کرد.

اما روزی که برای یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی به مسجد سپهسالار شیراز می‌رفت، مورد حمله عده‌ای ناشناس قرار گرفت. غروب همان روز هم ستاد انتخاباتی‌اش غارت و در و پنجره‌ها شکسته و آتایی به آتش کشیده شد. ابزدی بعد از انتخاب، برای دیدن خانواده‌اش به آمریکا رفت ولی نتوانست به ایران برگردد. او بعدا به کانادا رفت.

وزارت دادگستری

اسدالله مبشری متولد ۱۲۸۸؛ او پس از چندماه استعفا داد و فقط به فعالیت‌های فرهنگی پرداخت. او سرانجام در سال ۱۳۶۹ و پس از گذراندن دوره سخت بیماری درگذشت.

احمد صدر حاج‌سیدجوادی متولد در تیرماه ۱۳۵۸؛ نیز با استعفاي اسدالله مبشری به وزارت دادگستری منصوب شد که مأموریتش تا آخر دولت موقت ادامه داشت.

وزارت راه‌ونترایی

مهندس محمديوسف طاهري قزوینی متولد ۱۳۰۶؛ او که فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران بود، اواخر سال ۶۰ به تقاضای خود از وزارت راه بازنشسته شد.

وزیر مشاور

یدالله سحابی متولد ۱۲۸۴؛ در دولت موقت، سمت وزیر مشاور را داشت. پیش‌نویس قانون اساسی با سرپرستی سحابی آماده و منتشر شد. او پس از آن به‌عنوان نماینده مردم تهران در اولین دوره مجلس شورا انتخاب و به‌عنوان رئیس سنی اولین دوره مجلس انتخاب شد. بدالله سحابی فروردین ۱۳۸۱ در بیمارستان جم تهران درگذشت.



کارگاه آچارکشی
تجربه‌های نوشتن طنز مطبوعاتی
پوریا عالمی